

دشواری‌هایی نظری در طراحی دوره اقتصاد اسلامی؛ مطالعه موردی دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد

مهدی موحدی بکنظر^۱

محمدجواد رضائی^۲

محمدجواد شریف‌زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱

چکیده

نظر به وجود برخی دغدغه‌ها و در راستای ایجاد پیوند میان دو نهاد حوزه و دانشگاه، دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی شد. گذشت بیش از ۳۰ سال از اجرای چنین تجربه‌ای، بستری مناسب برای ارزیابی برنامه این دوره را فراهم آورده است. این ارزیابی می‌تواند برای اجرای آتی این دوره و نیز تدوین و اجرای دروس و گرایش‌های تلفیقی مرتبط با اقتصاد اسلامی الهام‌بخش باشد. از این‌رو هدف مطالعه حاضر تبیین تجارب اساتید و دانش‌آموختگان دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد از اجرای دوره و ارائه تحلیل‌هایی پیرامون برخی چالش‌های اجرای دوره در جهت دستیابی به چارچوب طراحی دوره‌هایی مربوط به آموزش اقتصاد اسلامی است. مطالعه حاضر شامل دو بخش اصلی است. بخش نخست به مطالعه کیفی ارزیابی ۱۷ نفر از دانش‌آموختگان دوره که به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند، می‌پردازد و بخش دوم مقاله به تحلیل نتایج و ارائه برخی راهکارها از جانب نویسندگان مقاله به برخی چالش‌های پیش‌روی اجرای دوره به منظور بازبینی اختصاص یافته است. این بخش مبتنی بر روش نظری و تحلیلی و ناظر به نتایج حاصل از ارزیابی مصاحبه‌شوندگان تدوین یافته است. نتایج مطالعه حاضر نشان‌دهنده چالش‌هایی است که طراحان و برنامه‌ریزان دوره اقتصاد اسلامی باید به آن‌ها پاسخ گویند. برای مثال «اختیار یک نظر از سوی طراحان دوره درباره ماهیت اقتصاد اسلامی»، «انتخاب هدف اصیل دوره»، «انتخاب رهیافتی برای ارائه دروس»، «کیفیت و کمیت ارائه دروس (اعم از دروس

Movahedi1@gmail.com

Rezaee.mj@gmail.com

Mj.sharifzade@gmail.com

۱- دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۲- دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۳- استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

هتردوکس، ارتودوکس، میان‌رشته‌ای، مهارتی، درجه دوم و اسلامی)» و «جایگاه و کیفیت ارائه زبان عربی» از مهم‌ترین این چالش‌هاست.

واژه‌های کلیدی: برنامه آموزشی اقتصاد، برنامه آموزشی اقتصاد اسلامی، بازبینی برنامه درسی، تفکر انتقادی

طبقه‌بندی JEL: A22، A23

مقدمه

نظر به وجود برخی دغدغه‌ها و در راستای ایجاد پیوند میان دو نهاد حوزه و دانشگاه، دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی شد. گذشت بیش از ۳۰ سال از اجرای چنین تجربه‌ای، بستری مناسب برای ارزیابی برنامه این دوره را فراهم آورده است؛ مضاف بر آن، ارزیابی و آسیب‌شناسی دوره‌های درسی اجرا شده در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام از جمله پیشنهادهای برخی مطالعات در راستای ارتقای وضعیت آموزش و پژوهش در قالب تجربیات میان‌رشته‌ای قلمداد شده است (به عنوان نمونه در خانی ۱۳۸۹: ۵۹). این ارزیابی می‌تواند برای اجرای آتی این دوره و بیشتر از آن برای دستیابی به چارچوب طراحی دوره‌هایی مربوط به آموزش اقتصاد اسلامی، دلالت‌هایی را داشته باشد.

در مواجهه اول ممکن است تفاوت رشته کارشناسی ارشد ناپیوسته معارف اسلامی و اقتصاد با رشته‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته اقتصاد اسلامی به اندازه‌ای باشد که نتوان بهره‌گیری چندانی را از این مقاله برای طراحی چنین دوره‌هایی انتظار داشت اما کمی دقت به نظر نمی‌رسد ارزیابی دوره ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و اقتصاد و بهره‌گیری از دلالت‌های این تحقیق جهت طراحی دوره اقتصاد اسلامی، از محدودیت‌ها و نارسایی‌های این تحقیق به شمار آید، چرا که با توجه به هدف اصیل دوره معارف اسلامی و اقتصاد در تربیت‌نظر به پرداز اقتصاد اسلامی و نیز کارشناس مجهز به فن و دانش اقتصاد اسلامی و انطباق نسبی آن با هدف و خروجی یک دوره اقتصاد اسلامی، از دو طریق می‌توان مقدمات چنین استفاده‌ای را مهیا ساخت: در حالت نخست می‌توان از دلالت‌ها و پیشنهادهای این تحقیق برای برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد اسلامی بهره برد و در حالت دوم می‌توان به دلالت‌هایی برای چیدنش دروس دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته اقتصاد اسلامی دست یافت.

به این منظور بر آنیم تا در این مقاله، به دو پرسش عمده پاسخ گوئیم: پرسش نخست مقاله از ارزیابی انتقادی دانش‌آموختگان دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد از اجرای دوره است؟ بخش اول مقاله ناظر به پرسش نخست پژوهش ترتیب داده شده است. دستیابی به پاسخ پرسش نخست پژوهش، متکی بر توصیف و تحلیل است. پر واضح است که مبنای پاسخ به این پرسش، نیازمند کاوشی اکتشافی از مجموعه داده‌های مورد اتکا و توصیف آن‌هاست. روش مورد استفاده در بخش نخست مقاله با روش‌های معروف به تحلیل محتوا نیز قرابت دارد. تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته به معنای درک، تفسیر و منظم کردن نظرات و گرایش‌های قابل استنتاج از مصاحبه‌هاست. هر چند در تعاریف و کاربردهای رایج از شیوه تحلیل محتوا یا تحلیل گفتمان توجه ویژه‌ای به کلمات، نمادها یا تکرار واژگان وجود دارد، اما در اینجا تنها قصد تمرکز هدفمند

برمحتوای مصاحبه است. همان‌طور که اشاره شد، در بخش نخست، ضمن توصیف نتایج مطالعه کیفی مزبور، به فراخور موضوع به تحلیل و بهره‌گیری از برخی مطالعات پیشین نیز پرداخته شده است؛ چرا که نظم‌بخشی و ایجاد ارتباط بین برخی یافته‌ها نیازمند اتکا به چارچوب‌ها و مفروضات خاص است.

پرسش دوم مقاله نیز چنین است: با توجه به نتایج حاصل از پرسش نخست، چه راهکارهایی برای طراحی دوره یا دوره‌های اقتصاد اسلامی و مواجهه با «دشواری‌های پیش‌روی اجرای این دوره» قابل ارائه است. بخش دوم مقاله ناظر به پرسش دوم پژوهش و بر اساس روشی تحلیلی و نظری، ترتیب داده شده است.

۱. تحلیل نتایج مطالعه کیفی

با توجه به ماهیت پرسش نخست پژوهش، از مصاحبه بر اساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شد. مشارکت‌کنندگان از دانش‌آموختگان دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد بودند که جایگاه شغلی ایشان در زمان انجام مصاحبه به این شکل بوده است (جدول ۱).

جدول ۱ تقسیم‌بندی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه از بین دانش‌آموختگان دوره کارشناسی ارشد

پیوسته م. ا. و ا. برحسب جایگاه شغلی در زمان انجام مصاحبه

ردیف	جایگاه شغلی و علمی مشارکت‌کنندگان	تعداد
۱	عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام	۸
۲	عضو هیأت علمی دانشگاه‌هایی غیر از دانشگاه امام صادق علیه‌السلام	۳
۳	دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام	۳
۴	دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاهی غیر از دانشگاه امام صادق علیه‌السلام	۳
	مجموع مصاحبه‌شوندگان	۱۷

فرایند اجرایی انجام مصاحبه‌ها نیز به این ترتیب بوده است: پس از فهرست کردن ۱۹ نفر از مشارکت‌کنندگان احتمالی، درخواست انجام مصاحبه به طور شفاهی و نیز از طریق پست الکترونیکی ابلاغ گردید. در مرحله نخست موفق به انجام ۱۱ مصاحبه (شامل ۱۰ مصاحبه شفاهی و ۱ مصاحبه کتبی) شدیم. پس از آن با افزودن ۱۰ نفر دیگر به فهرست مشارکت‌کنندگان احتمالی، موفق به انجام مصاحبه با ۶ فرد دیگر (شامل ۳ مصاحبه شفاهی و ۳ مصاحبه کتبی) شده و در مجموع به داده‌های حاصل از ۱۷ پرسشنامه تکمیل‌شده دست یافتیم. با توجه به اشباع نظرات و درک کفایت کاوش از طریق مصاحبه، به نمونه‌گیری‌ها و مصاحبه‌های انجام‌شده بسنده شد. مدت زمان انجام مصاحبه‌های شفاهی به طور متوسط ۱۰۰ دقیقه بوده است. در نهایت نیز برای دقیق‌تر بودن نتایج، پاسخ‌های پیاده شده مصاحبه‌شوندگان به تأیید ایشان رسید.

متن مصاحبه‌ها چندین بار مورد بازخوانی قرار گرفت. ابتدا کدهای باز استخراج گردید و بعد از چند بار مرور بر اساس تشابه معنایی در زیرطبقات دسته‌بندی شد و در نهایت زیرطبقات مشابه به لحاظ معنایی در طبقات اصلی قرار گرفت. پس از طبقه‌بندی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نتایج حاصل از ارزیابی انتقادی دانش‌آموختگان دوره، به تفکیک در هشت محور (طبقه) مورد بازگویی و تحلیل قرار گرفت.

شایان ذکر است که چارچوب برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد و نیز برخی از عناوین درسی این دوره در پیوست الف مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین پرسشنامه مدنظر در مصاحبه‌های صورت گرفته نیز در پیوست ب موجود است.

۱.۱. تلقی متفاوت از ماهیت اقتصاد اسلامی

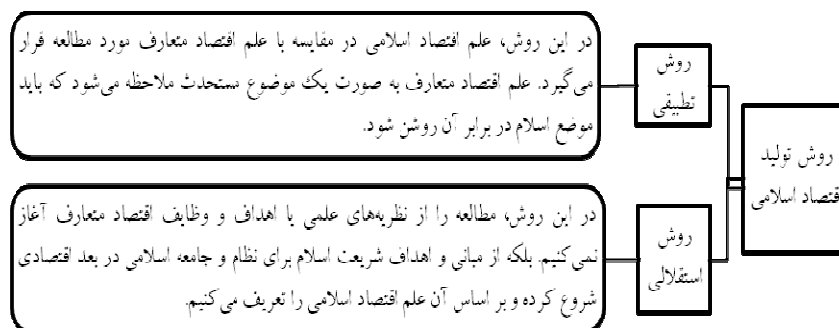
اولین سؤالی که بعد از طرح اقتصاد اسلامی و مباحث مربوط به آن به میان می‌آید، سؤال از ماهیت «اقتصاد اسلامی» و پاسخی است که احتمالاً برای پاسخ به چیستی آن مذکور یا ملحوظ می‌شود. با این اوصاف منطقی به نظر می‌رسد که هرگاه بحث از دوره آموزشی اقتصاد اسلامی به میان آید، تلقی‌های متفاوت طراحان و ارزیابان این دوره‌ها از اقتصاد اسلامی، بر کلیات و جزئیات دوره درسی و نحوه ارزیابی از آن سایه خواهد افکند.

در این میان هر یک از اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه اقتصاد اسلامی و به تبع، تابعین آن‌ها بنا به قبول پیش‌فرض‌هایی خاص، تلقی نسبتاً متفاوتی از اقتصاد اسلامی را ارائه می‌دهند. این تلقی‌های متفاوت در طبقه‌بندی‌های مختلفی نیز دیده می‌شوند؛ برای مثال عده‌ای آن را با توجه به روش نظریه‌پردازی مورد استفاده برای اقتصاد اسلامی، در دو دسته تطبیقی و استقلال‌ی تقسیم می‌کنند (برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به

شکل ۱: روش نظریه‌پردازی‌های مختلف برای تبیین چیستی علم اقتصاد اسلامی؛ منبع: (میرمعزی ۱۳۸۶: ۵۰-۵۸).

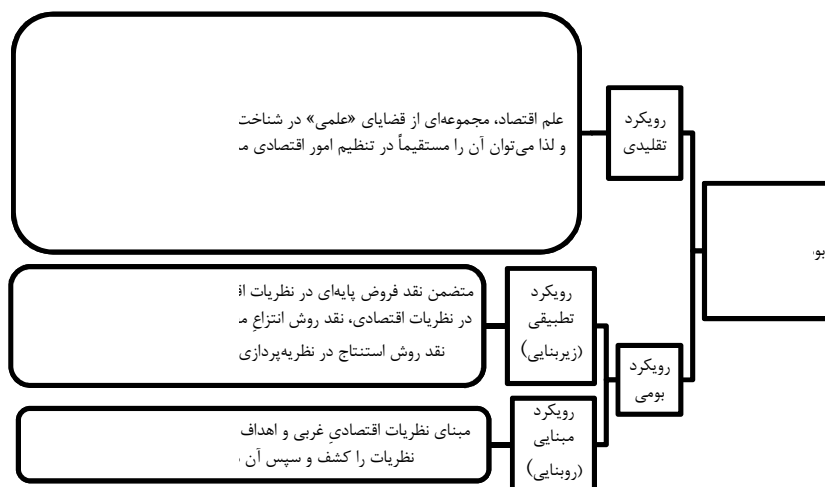
(طبیعی به نظر می‌رسد که باورمندی به یکی از انواع چنین تفکیکی در مرحله نظریه‌پردازی، موجبات تأثیرپذیری فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی در عرصه اقتصاد اسلامی خواهد بود.

شکل ۱: روش نظریه پردازی‌های مختلف برای تبیین چیستی علم اقتصاد اسلامی؛ منبع: (میرمعزی ۱۳۸۶: ۵۰-۵۸).



و یا عده‌ای تنها با تأکید بر رویکردهای بومی‌سازی به اقتصاد رایج از منظر اقتصاد اسلامی، رویکردهای مواجهه با اقتصاد رایج را در وهله نخست به رویکرد تقلیدی و رویکرد بومی تقسیم کرده و رویکرد بومی را در قالب دو دسته رویکرد تطبیقی (روبنایی) و رویکرد مبنایی (زیربنایی) تقسیم نموده‌اند (به عنوان نمونه و برای درک توضیحات بیشتر رجوع کنید به شکل ۲).

شکل ۲: رویکردهای بومی‌سازی اقتصاد رایج از منظر اقتصاد اسلامی؛ منبع: (درخشان ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵).



مسئله‌ی نوع نگاه به ماهیت اقتصاد اسلامی در مواجهه با «علم اقتصاد» در ارزیابی صورت گرفته نیز مشهود است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این مسئله اذعان داشتند که نه تنها «هنوز تعریف متفق‌علیهی از اقتصاد اسلامی وجود ندارد (مصاحبه‌شونده ۲)» بلکه «[هنوز] تصور روشنی [نیز] از اقتصاد اسلامی وجود ندارد (مصاحبه‌شونده ۹)» و «ضعف عمده‌ی ما برخوردار نبودن از یک مکتب فکری مورد اتفاق در دانشکده (مصاحبه‌شونده ۱۶)» و «عدم دستیابی به یک تعریف و روش واحد [از اقتصاد اسلامی] برای برنامه‌ریزی، تولید و حرکت به سوی آن است (مصاحبه‌شونده ۹)». این مهم - همان‌طور که در ادامه به توضیح بیشتر آن خواهیم پرداخت در سایر ابعاد این برنامه درسی اثر خود را خواهد گذاشت. در واقع به نوعی «اطراحی و [ارزیابی دوره، وابسته به تلقی ما از ماهیت] او چستی [اقتصاد اسلامی و همچنین ارتباط معارف اسلامی با علم اقتصاد خواهد بود (مصاحبه‌شونده ۵)».

در مقام جمع‌بندی و تسامحاً می‌توان قائل به طرح دوگانی در طبقه‌بندی نظر مصاحبه‌شوندگان شد. به عبارت دیگر ارائه یک طیف که نزدیک شدن نظر هر یک از مصاحبه‌شوندگان به دو سر این طیف، ایده‌آن‌ها را از یک‌دیگر جدا می‌سازد. در

جدول ۲ می‌توان زیرطبقات، کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با هر یک از تلقی‌های متفاوت از اقتصاد اسلامی (به عنوان طبقه) را مشاهده کرد.^۱

۱- شایان ذکر است موارد مذکور در بخش‌های واحدهای معنایی در این جدول و جداول آتی، بخشی از نتایج به دست آمده است؛ برای جلوگیری از اطالة کلام، از بیان همه واحدهای معنایی صرف‌نظر شده است. همچنین با توجه به اینکه نویسندگان این مقاله خود اقدام به انجام مصاحبه کرده‌ان و به زمینه (کانتکست) ارائه پاسخ‌ها آگاهی دارند، در برخی موارد براساس دلالت‌های التزامی برآمده از پاسخ مصاحبه‌شوندگان به طبقه‌بندی و نسبت دادن واحدهای معنایی به کدهای باز دست زده‌اند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که برای اصطلاحات «اقتصاد ارتدوکس» و «اقتصاد هتروکس»، باید به ترتیب از معادل‌های مناسب «اقتصاد متعارف/سنتی» و «اقتصاد دگراندیش» استفاده نمود اما در اینجا و با توجه به رواج اصطلاحات پیش‌گفته و به‌کارگیری آن توسط مصاحبه‌شوندگان، از ترجمه فارسی آن بهره‌مند نشدیم.

جدول ۲: کد شیت طبقه «تلقی‌های متفاوت از چیستی اقتصاد اسلامی» جهت تقلیل واحدهای معنایی به

زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
اقتصاد اسلامی به مثابه اقتصاد هتروکس متکی بر مبانی اسلامی برای پاسخ به مسائل	دانشی برای اجتهاد متجزی در حوزه علوم اجتماعی	«دانش آموخته این دوره به‌مثابه مجتهدی متجزی باید بتواند در باب تمام چارچوب‌ها، تعامل‌ها و بردارهای انسانی جامعه (علوم اجتماعی از جمله اقتصاد)، نظر اجتهادی متخذ از دین دهد (مصاحبه‌شونده ۱۲).»
	مکتب هتروکس با تعارضات مبنایی زیاد	«هدف ما در اقتصاد اسلامی توانمند کردن دانشجو در حوزه اقتصاد، به حد قابل قبولی از اجتهاد است (مصاحبه‌شونده ۸).»
		«اقتصاد اسلامی خود شاخه‌ای از مکاتب اقتصادی هتروکس با مبنایی الهی در مقابل سایر مکاتب ارتدوکس و هتروکس غیرالهی است (مصاحبه‌شونده ۶).»
اقتصاد اسلامی به مثابه دانشی برای تکمیل و تصحیح اقتصاد رایج	مکتبی هتروکس با تعارضات مبنایی کم	«رابطه کنونی از اقتصاد و اقتصاد اسلامی در ادبیات متعارف که آن‌ها را در تضاد و تعارض کامل می‌بینیم اشتباه است. حتی در جاهایی می‌توان دید که اقتصاد متعارف، دینی‌تر است (مصاحبه‌شونده ۱۱).»
	رافع نقایص اقتصاد رایج و رشد دهنده آن	«به نظر می‌رسد به غیر از حوزه‌های بیمه، بانک و پول، تفاوتی میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد اخلاقی نباشد (مصاحبه‌شونده ۵).»
	اقتصاد بومی شده	«جریان غالب اقتصاد آن‌قدر قوی است که عملاً بسیاری از جریان‌ات هتروکس در پی رفع نواقص آن رفته‌اند. به نظر می‌رسد اقتصاد اسلامی نیز باید در پی رفع اشکالات جریان غالب برود (مصاحبه‌شونده ۵).»
		«اقتصاد اسلامی نیز همچون اقتصاد متعارف باید با گزاره‌های قابل ابطال سروکار داشته باشد چرا که وجود چنین رویکردی موجب رشد علم اقتصاد می‌شود (مصاحبه‌شونده ۵).»
		«لازم است اقتصاد متعارف را با تأکید و استفاده از آموزه‌های دینی (همان‌طور که بسیاری همان اقتصاد متعارف را برای خود بومی کرده‌اند)، بومی کنیم (مصاحبه‌شونده ۱۱).»

۱.۲. هدف اصیل دوره

همان‌طور که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، تلقی متفاوت از اقتصاد اسلامی اثر خود را بر ابعاد مختلف برنامه درسی خواهد گذاشت. یکی از این اثرپذیری‌های مستقیم، هدف اصیل دوره اقتصاد اسلامی خواهد بود. در واقع سؤال این است: «هدف دانشکده [در ارائه این برنامه] باید بر مبنای تنوریک و مباحث نظری تأکید داشته باشد یا به دنبال تربیت نیروهایی باشد که در عرصه اجرایی و مدیریتی اثرگذار باشند (مصاحبه‌شونده ۵)؟» شاید در برخوردی ایده آل‌گرایانه، جمع این دو هدف، بتواند به عنوان پاسخ طرح شود اما ناگفته پیداست که جمع بین این دو هدف نیز خود مستلزم نوعی اولویت‌بندی است و اولویت حداقلی هر یک از آن‌ها بر دیگری، ملزومات خاص خود را برنامه دوره می‌طلبد. به عبارت دیگر «برنامه باید مبتنی بر هدف مورد انتظار از «خروجی» دوره باشد؛ اگر هدف، تربیت نیروی متخصص و کارشناس برای نظام جمهوری اسلامی است، برنامه آموزشی بر حوزه‌ها و موضوعاتی تأکید داشته باشد که مورد نیاز چنین نیرویی است. اگر هم هدف تربیت نیرویی برای سطوح بالاتر علمی و نظریه‌پردازی است، باز می‌توان چالش خاصی بدین منظور ارائه داد. به هر حال مهم‌ترین ویژگی برنامه مطلوب، اثربخشی آن در راستای هدف مورد نظر است. شفافیت در راستای تعیین هدف نیازمند تعیین تکلیف راجع به مهم بودن طرف تقاضا یا اهمیت نداشتن آن برای دانشگاه/دانشکده است؛ اگر هم سمت تقاضا برای برنامه‌ریز دوره مهم است، [حال باید دید] تا چه حدی و در چه گستره‌ای باید به آن اهمیت داد (مصاحبه‌شونده ۱۳)».

در این مسئله نیز به نوعی اختلاف نظر میان مصاحبه‌شوندگان دیده می‌شود؛ اختلاف نظری که به طور مستقیم و متناظر متأثر از تلقی‌های متفاوت از چیستی اقتصاد اسلامی است. در

جدول 3 همان‌طور که پیش‌تر نیز مورد اشاره قرار گرفت، با تفکیکی تسامحی از زیرطبقات به بیان کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با اهداف اصلی که برای برنامه باید در نظر گرفت خواهیم پرداخت.

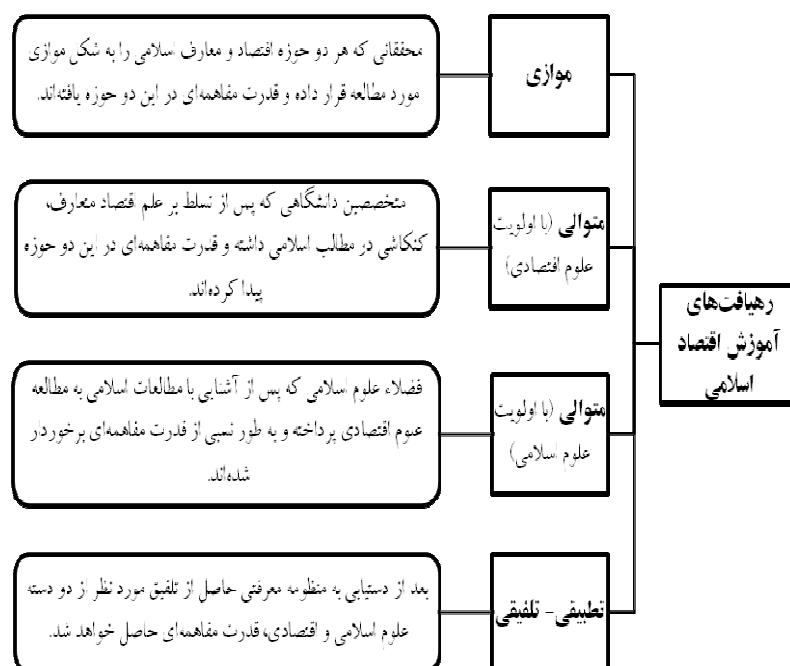
جدول ۳: کد شیت طبقه «هدف اصیل دوره» جهت تقلیل واحدهای معنایی به زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
تربیت نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی با تأکید بر مسئله شناسی و ارائه راه‌حل مبتنی بر دین	اجتهاد متجزی در حوزه اقتصاد	«به نظر می‌رسد هدف دانشکده تربیت مجتهدان متجزی حوزه اقتصاد اسلامی است (مصاحبه‌شونده ۱۲).»
	نظریه‌پردازی در عرصه اقتصاد اسلامی	«هدف اولیه این رشته نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی است (مصاحبه‌شونده ۲).»
	تولید علم اقتصاد اسلامی	«یگانه هدف برنامه آموزشی رشته معارف اسلامی و اقتصاد، تولید علم اقتصاد اسلامی است (مصاحبه‌شونده ۸).»
	ایجاد قطب علمی اقتصاد اسلامی	«هدف دانشگاه باید تبدیل شدن به قطب علمی در حوزه اقتصاد اسلامی باشد (مصاحبه‌شونده ۱۶).»
	تدوین و تحقق حوزه اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	«اگر هدف کلی دانشگاه به نوعی تبیین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است بنابراین هدف دانشکده چیزی جز بعد اقتصادی این الگو نباید باشد (مصاحبه‌شونده ۱۲).»
	آمادگی برای فعالیت در بازار علم و اشاعه علم اقتصاد اسلامی	«بازار کار وی [=دانش‌آموخته این دوره] باید بازار تولید علم و اشاعه علم باشد و نه بازار تولید، مثل ایران خودرو یا سمت‌های اقتصادی در دولت (مصاحبه‌شونده ۴).»
		«در طراحی برنامه درسی، نگاه به بازار اشتغال متعارف اقتصادی نباید در اولویت قرار گیرد (مصاحبه‌شونده ۲).»
تربیت کارشناسان و مدیران اقتصادی آشنا به معارف اسلامی (با تأکید بر عنوان دوره یعنی معارف اسلامی و اقتصاد)	آمادگی برای اشتغال در بازار کار اقتصاد	«قرار نیست دانشکده در رشته معارف اسلامی و اقتصاد نیازهایی چون پاسخگویی به بازار اقتصادی متعارف را پاسخ گوید، بلکه تمامی مهارت‌ها و دروس مهارتی باید در جهت تحقق هدف اصیل دانشگاه ارائه گردد (مصاحبه‌شونده ۱۴).»
		«ارتباطی بین بازار کار و آموزش وجود ندارد و از جهات آماده ساختن دانشجویان برای قبول مشاغل مربوط به رشته اقتصاد مشکل وجود دارد (مصاحبه‌شونده ۱۱).»
		«به نظر می‌رسد فارغ‌التحصیل دانشکده نمی‌تواند نیازهای بازار کار را برطرف کند. در حوزه بازارهای مالی و انرژی نیز این مشکل مشهود است. (مصاحبه‌شونده ۱۰).»
		«اگر بازار کار را در بورس، بانک، بازارهای مالی و ... را برای دانش‌آموختگان در نظر بگیریم، آموزش‌های داده شده ضعیف است (مصاحبه‌شونده ۹).»

۱.۳. رهیافت‌های متفاوت بین‌رشته‌ای در ارائه دوره

هرگاه بحث از علوم اقتصادی و علوم اسلامی و شاخه علمی بین‌رشته‌ای یعنی اقتصاد اسلامی به میان می‌آید، مهم‌ترین مواجهه در ارائه دوره آموزشی این شاخه مطالعاتی، اولاً ارائه دروس اختصاصی مربوط به هر یک از این دو شاخه و ثانیاً دروس ترکیبی و ثالثاً تقدم و تأخر هر کدام آن هاست. در این بین رهیافت‌های متفاوتی در مواجهه با ارائه یک دوره میان‌رشته‌ای مثل اقتصاد اسلامی وجود دارد. در شکل ۳ که برگرفته از مصاحبه با مصاحبه‌شونده ۸ است به معرفی چهار رهیافت مهم در آموزش اقتصاد اسلامی به عنوان یک شاخه علمی پرداخته‌ایم.

شکل ۳: چهار رهیافت آموزش اقتصاد اسلامی در حال حاضر (منبع: مصاحبه‌شونده ۸)



بر اساس آنچه در شکل ۳ توضیح داده شد، می‌توان زیرطبقات، کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با هر یک از رهیافت‌های متفاوت بین‌رشته‌ای در ارائه دوره (به عنوان طبقه) را در جدول ۴ مشاهده کرد. در این جدول به نوعی به ارزیابی نظر طرفداران هر یک از این رهیافت‌ها پرداخته‌ایم.

جدول ۴: کد شیت طبقه «رهیافت‌های متفاوت میان‌رشته‌ای در ارائه دوره» جهت تقلیل واحدهای معنایی

به زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
رهیافت موازی: آموزش اقتصاد متعارف در کنار آموزش مجموعه علوم اسلامی به طور هم‌زمان (نمونه: دانشگاه امام صادق)	موافقت با رهیافت موازی	«موفقیت نسبی کنونی دانشجویان دانشکده کم‌وبیش مرهون همین برنامه موازی است (مصاحبه‌شونده ۱۲).»
		«راشه آموزه‌های اسلامی همراه با آموزش اصول اقتصاد متعارف، مزیت نسبی فارغ‌التحصیلان دانشگاه محسوب می‌شود. (مصاحبه‌شونده ۱۱).»
		«از آنجایی که در حال حاضر نه استاد کافی، نه استاد قوی برای اقتصاد اسلامی داریم و نه محتوا، بهترین گزینه تلفیق موازی است. الگوی فعلی یعنی ترکیب موازی معارف اسلامی و اقتصاد برای دوران گذار فعلی مناسب و بهترین انتخاب است (مصاحبه‌شونده ۶).»
		«به نظر می‌رسد از تمسک به الگوی موجود گزیری نیست، باید همین شیوه اصطلاحاً موازی در آموزش حفظ شود (مصاحبه‌شونده ۱۳).»
		«پیوندها باید توسط خود دانشجویان شکل گیرد (مصاحبه‌شونده ۷).»
نقاط ضعف و قوت رهیافت موازی و الزامات آن		«راشه آموزی و بدون ترکیب درست دروس اقتصادی و دروس معارفی یک ضعف است (مصاحبه‌شونده ۵).»
		«جدایی بین اقتصاد اسلامی، سایر دروس اقتصادی و دروس اسلامی مشهود است که باید کمرنگ‌تر شود (مصاحبه‌شونده ۹).»
		«به نظر می‌رسد این الگو هنوز گزینه خوبی است اما مشروط بر اینکه در بعد روش‌شناسی و روش‌های پیوند این دو سری معارف، ابزارها و مهارت‌هایی در اختیار دانشجویان قرار گیرد. (مصاحبه‌شونده ۱۴).»
		«نقد ضعف این رویکرد این است که به ناگاه از دانشجو خواسته می‌شود برای تدوین پایان‌نامه موضوعی بین‌رشته‌ای انتخاب کند، کاری که به نظر می‌رسد برای آن تربیت نشده است (مصاحبه‌شونده ۱۰).»
رهیافت تطبیقی-تلفیقی: آموزش متکی به ادبیات و متون ایجادشده در عرصه اقتصاد اسلامی (نمونه: گرایش اقتصاد اسلامی در دوره کارشناسی ارشد)	موافقت با رهیافت تطبیقی-تلفیقی	«تفکیک دروس به عمومی (دروس اسلامی) و اختصاصی (دروس اقتصادی) تفکیکی نامناسب است، الگوی پیشنهادی برنامه نباید به‌گونه‌ای باشد که هر گروهی (دروس معارف، فقه و دانشکده‌ها) برای خود دست به برنامه‌ریزی مجزا و جدا بزنند بلکه باید به یک برنامه تلفیقی دست یافت. (مصاحبه‌شونده ۲).» «باید تمام دروس را به سمت استفاده از رویکرد تطبیقی در

آموزش سوق دهیم. یعنی اگر مالیه می‌خوانیم در کنارش بدانیم ربط این نظام مالیه با نظام مالیه اسلامی چیست. جای بحث پیرامون نظام مالیه اسلامی در کلاس فقه الاقتصاد نیست. در همان کلاس مالیه است (مصاحبه‌شونده ۱۶). «انتظار بر این است که پس از سی سال به جای ارائه برنامه معارف اسلامی و اقتصاد، برنامه درسی اقتصاد اسلامی تدوین شود (مصاحبه‌شونده ۲).»		دانشگاه‌های کشور)
«به جای آنکه فقه و بانکداری به طور مجزا به دانشجوی تدریس شود درسی با عنوان بانکداری اسلامی (به عنوان درسی تلفیقی) قابل ارائه است که نه تنها اطلاعات مربوط به بانکداری در علم اقتصاد را پوشش می‌دهد بلکه آگاهی لازم از نظام بانکی ایران که بانکداری اسلامی است را در اختیار دانشجوی قرار می‌دهد (مصاحبه‌شونده ۱۰).»	نقاط ضعف و قوت رهیافت تلفیقی-تلفیقی و الزامات آن	
- «شیوه مرسوم در تلفیق در مراکز آموزشی و پژوهشی همچون موسسه امام خمینی ره این است که دانشجوی پس از اتمام سطح حوزه به مطالعه اقتصاد بپردازد. هر چند این شیوه برخوردار از محاسنی است اما دانشجوی تحصیل‌گر در این شیوه فاقد انگیزه و توان علمی در درک موضوعات اقتصادی است (مصاحبه‌شونده ۱).»	موافقت با رهیافت متوالی نقاط ضعف و قوت رهیافت متوالی و الزامات آن	رهیافت متوالی: تقدم زمانی آموزش یکی از مجموعه معارف اسلامی یا اقتصاد متعارف بر آموزش دیگری (نمونه: مؤسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی)

۱.۴. غلبه و تمرکز بر دروس اقتصادی دوره (غلبه کیفی و کمی رهیافت‌های هتردوکس یا ارتدوکس)

یکی از مباحثی که به نوعی متأثر از موارد پیش‌گفته یعنی «تلفی متفاوت از ماهیت اقتصاد اسلامی»، «هدف اصیل دوره» و «رهیافت‌های متفاوت در ارائه دوره» است، سؤال از «غلبه و تمرکز بر دروس تخصصی اقتصادی دوره (غلبه کیفی و کمی هتردوکس یا ارتدوکس)» خواهد بود. به عبارت دیگر پاسخ به هر یک از دوگان یا سه‌گان‌های مطرح در موارد پیش‌گفته، میزان غلبه دروس تخصصی اقتصادی دوره را نیز خودبه‌خود مشخص خواهد کرد. توضیح بیشتر آن که بعد از ارائه یک تعریف متفق علیه از اقتصاد اسلامی و اجماع نسبی بر آن است که می‌توان راجع به محتوا و میزان دروس اقتصادی، اسلامی و تلفیقی به توافق رسید (برگرفته از مصاحبه‌شونده ۲). از سوی دیگر «لزوم ارائه برخی دروس نیز به اهداف دانشکده بستگی دارد. برای مثال متناسب با هدف تربیت کارشناسان آشنا به معارف اسلامی برای اشتغال در بازار کار اقتصاد دروس مهارتی چون مهارت‌های کمی، سنجی، مالی، ارزیابی پروژه و ... نیاز است و برای هدفی چون نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی دروسی چون زبان عربی و اقتصادهای هتردوکس اولویت دارد (مصاحبه‌شونده ۷).»

جدول ۵ با تفکیکی تسامحی از زیرطبقات به بیان کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با «غلبه و تمرکز بر دروس تخصصی اقتصادی (غلبه کیفی و کمی هتروکس یا ارتدوکس)» پرداخته است.

جدول ۵: گدشیت طبقه «غلبه و تمرکز بر دروس تخصصی اقتصادی (غلبه کیفی و کمی هتروکس یا

ارتدوکس)» جهت تقلیل واحدهای معنایی به زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
افزایش کیفیت و کمیت دروس میان‌رشته‌ای، هتروکس و معارف درجه دوم	کمک به تفکر انتقادی و نظریه‌پردازی خارج از چارچوب در نقد نظریات متعارف و ارائه نظریات بدیل	«لازم است در برنامه آموزشی به جریان‌های اقتصادی مطرحی که جریان غرب را به نقد کشیده و قدرت تحلیلی خوبی در اختیار دانشجو قرار دهد پرداخته شود؛ البته با توجه به این نکته که این نظریات نیز خود عاری از عیب نیستند (مصاحبه‌شونده ۲).»
		«وجود آموزش نظام‌مند و روشمند چند مکتب هتروکس (با این ویژگی که حتی‌المقدور تمایزهای قابل ملاحظه‌ای از بعد مسئله‌شناسی، مبانی نظری، روش و غایت با نظریات متعارف داشته باشند) در برنامه درسی در کنار مطالعه نظریات متعارف اقتصادی، برای کمک به تفکر انتقادی و تفکر خارج چارچوب و همچنین در جهت تمرین نظریه‌پردازی و نقد نظریات متعارف لازم است (مصاحبه‌شونده ۱۴).»
		«مبانی فلسفی تئوری‌های مختلف باید به دانشجویان منتقل شود (مصاحبه‌شونده ۹).»
اولویت‌بندی دروس هتروکس، میان‌رشته‌ای و درجه دوم	کمک این دروس به پیوند محتوایی لازم در رهیافت موازی	«آنچه در دانش‌های میان‌رشته‌ای مهم است روش تلفیقی است که از آن باید برای پیوند در روش مورد استفاده دانشگاه امام صادق بهره‌برد. باید از هر فرصتی برای الهام‌گیری در تلفیق بهره‌برد (مصاحبه‌شونده ۸).»
		«با توجه به فضای رانتی اقتصاد کشور برای مثال از ادروسی چون [مارکسیسم] باید در برنامه درسی بهره‌بریم (مصاحبه‌شونده ۴).»
		«[مطالعه] آن‌هایی که تنوریک‌تر هستند و چالش بیشتری با فروض بنیادین علم اقتصاد دارند، مهم‌ترند (مصاحبه‌شونده ۳).»
		«متناسب با اهداف دانشگاه، مطالعه حقوق و اقتصاد به خصوص حقوق اقتصادی قانون اساسی، اقتصاد خانواده با توجه به اهمیت واحد تحلیل خانواده در اقتصاد اسلامی و فلسفه اقتصادی (ارزش، رفاه) لازم است (مصاحبه‌شونده ۴).»
		«با هدف قرار دادن اقتصاد اسلامی، دروسی چون فلسفه اخلاق، اخلاق و اقتصاد، حقوق و اقتصاد و همچنین روانشناسی و اقتصاد اولویت می‌یابد (مصاحبه‌شونده ۹).»
		«با توجه به اهداف دانشکده [نظریه‌پردازی در اقتصاد

اسلامی، باید از مکاتب هتروکس مخصوصاً نهادگرایی قدیم، رویکردهای انتقادی اقتصاد فرانسوی در برنامه درسی بهره ببریم (مصاحبه‌شونده ۴).		
«اولویت باید با دروس اقتصاد ارتدوکس باشد. فهم دیدگاه‌های هتروکس، برای کسانی است که جریان ارتدوکس را کاملاً فهمیده باشند. تأکید بیش از اندازه به مطالعات هتروکس به دلیل مشوش کردن اذهان دانشجویان مانع از آموزش مناسب و کامل اقتصاد ارتدوکس می‌شود (مصاحبه‌شونده ۱۱).	اولویت با شناخت بیشتر اقتصاد متعارف و عدم تشویش به واسطه مطالعه سایر اقتصادهای هتروکس	
«خصوصیتی در استفاده از مکاتب اقتصادی هتروکس وجود ندارد بنابراین به نظر می‌رسد تمرکز بر ادبیات اقتصادی متعارف و تقویت آن در برنامه آموزشی از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ مکاتب هتروکس و ارتدوکس تفاوت مبنایی خاصی (از نظر مبنایی غیرتوحیدی) ندارند (مصاحبه‌شونده ۸).		
«توجه به مبنایی و فلسفه اقتصاد (اقتصاد پایه) بیش از حد نیاز در بین دانشجویان شایع است که باید در حد آشنایی مختصر بوده و مطالعات بیشتر به مطالعات شخصی و خارج از دروس و مباحثات دانشگاهی محول شود. (مصاحبه‌شونده ۱۵)		افزایش کیفیت و کمیت دروس اقتصاد متعارف
«مطالعه مکاتب هتروکس به صورت حاشیه‌ای و در برنامه غیررسمی می‌تواند مفید باشد (مصاحبه‌شونده ۶).		
«به نظر می‌رسد با توجه به وجود انواع محدودیت‌ها همچون محدودیت در تعداد واحدهای درسی و ... توجه به مکاتب هتروکس آن‌چنان از اهمیت برخوردار نیست. البته می‌توان به شکل نظام‌مند بر دو یا سه مورد از جریان‌ات هتروکس به شکل تخصصی تمرکز کرده (و البته با فراهم‌آوری استادی میرزا، دانشجو را با فضای آن رویکردها آشنا نمود (مصاحبه‌شونده ۱۳).	لزوم ارائه هتروکس‌ها و معارف درجه دوم به شکل محدود و حتی‌المقدور در برنامه غیررسمی	
«این دانش‌ها [هتروکس‌ها، میان‌رشته‌ها و معارف درجه دوم] باید متناسب با گرایش و حوزه خاص این دروس ارائه شوند و نه در برنامه رسمی (مصاحبه‌شونده ۱۳).		
«به نظر می‌رسد توجه به مکاتب هتروکس در قالب دروس اختیاری و گرایش‌ها در مقطع ارشد مناسب باشد (مصاحبه‌شونده ۱).		

۱.۵. کیفیت ارائه دروس هتروکس، میان‌رشته‌ای و معارف درجه دوم حوزه اقتصاد

بعد از بررسی غلبه و تمرکز بر دروس تخصصی دوره (غلبه کیفی و کمی هتروکس یا ارتدوکس)، سؤال از کیفیت و چگونگی ارائه آن‌ها در برنامه درسی است. دروسی چون اقتصاد ایران، اقتصاد اسلامی، تاریخ عقاید اقتصادی، معارف درجه دوم همچون روش‌شناسی و فلسفه مضاف دروسی چون اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصادسنجی و... اگر از جمله دروسی باشند که بناست در برنامه

قرار گیرند، باید در مورد کیفیت قرار گرفتن آن‌ها در برنامه نیز نظر داد. در جدول 6 می‌توان زیرطبقات، کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با کیفیت ارائه دروس هتروکس، میان‌رشته‌ای و درجه دوم حوزه اقتصاد (به عنوان طبقه) را مشاهده کرد.

: کد شیت طبقه «کیفیت ارائه دروس هتروکس، میان‌رشته‌ای و درجه دوم حوزه 6 جدول

اقتصاد» جهت تقلیل واحدهای معنایی به زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
ارائه افقی این درس‌ها با سایر دروس	حذف دروس مجزا از برنامه درسی و ارائه افقی آن‌ها در سایر دروس	«دروسی چون تاریخ اندیشه، تاریخ عقاید اقتصادی و اقتصاد ایران باید از میان دروس حذف شده و به شکل افقی در تمام دروس حتی فقه‌الاقتصاد جریان پیدا کند (مصاحبه‌شونده ۴)»
	ارائه بومی دروس اختصاصی (سطح ایده آل)	«در سطح ایده آل، در هنگام تدریس مطالب علمی اقتصاد کلان باید ویژگی‌های اساسی اقتصاد ایران اِبه جای لحاظ اقتصاد کلان آمریکا لحاظ شود. البته در این بعد هم ضعف داریم (مصاحبه‌شونده ۹)»
	ارائه مبانی و مباحث معرفت درجه دوم هر درس در ارائه افقی	«شناسایی مبانی و هسته اقتصاد متعارف باید در بطن دروس خرد، کلان، سنجی، ... مورد توجه قرار گیرد (مصاحبه‌شونده ۱)»
ارائه پیوستی از این درس‌ها برای سایر دروس	به علت ضعف در ارائه افقی، لزوم ارائه پیوست در کنار سایر دروس (سطح حداقلی)	در یک سطح حداقلی، در کنار تدریس کتب متعارف، باید به عنوان یک پیوست، به مباحث و واقعیات اقتصاد ایران و اقتصاد اسلامی اشاره شود. (مصاحبه‌شونده ۹). «به دلیل ضعف استاد و کتب آموزشی در ارائه بومی از مباحث تخصصی اقتصاد، این مباحث باید در کنار همه دروس تخصصی اقتصادی و دروس اسلامی مطالعه شده و برای دانشجویان ایجاد مسئله کند. (مصاحبه‌شونده ۱۴)» «برای هر درس ضمیمه‌ای از مباحث اسلامی و اقتصاد ایران مرتبط به آن ارائه شود (مصاحبه‌شونده ۹)»
	ارائه دروسی مجزا با رویکردهای بدیل	«به نظر می‌رسد شاید بتوان به عنوان مثال با تعریف دو درس تاریخ عقاید که در اولی «مباحث متداول تاریخ عقاید اقتصادی» و در دومی «بر اساس سیر تاریخی تکوین و تدوین نظریات اقتصادی (در خرد و کلان) یا مکتب هتروکس مورد نظر ارائه شود (مصاحبه‌شونده ۱۳)».
	ارائه دروس مجزا برای تقویت انتقال نگاه مورد نظر	«همانند دوره انترنی پزشکان، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری برای ارتباط هر چه بیشتر حوزه نظریه‌پردازی اسلامی خود باید در قالب دروسی تعریف شده به صورت عملی وارد واقعیات‌های اقتصاد ایران شوند (مصاحبه‌شونده ۱۲)»

۱.۶. کیفیت و کمیت ارائه دروس مهارتی حوزه اقتصاد

پاسخ به مسئله «کیفیت و کمیت ارائه دروس مهارتی حوزه اقتصاد» را می‌توان در ادامه پاسخ به چالش غلبه و تمرکز بر دروس تخصصی اقتصادی دوره مطرح ساخت. تعداد محدود دروس در یک برنامه درسی موجب می‌شود تا پس از پاسخ به غلبه و تمرکز بر دروس تخصصی دوره (غلبه کیفی و کمی هتردوکس یا ارتدوکس)، تکلیف کیفیت و کمیت ارائه دروس مهارتی حوزه اقتصاد در برنامه دوره نیز مشخص شود. ناگفته پیداست که این چالش به نوعی به تعیین هدف دوره نیز بستگی دارد. در واقع «متناسب با تعیین هدف دانشکده از تربیت نیروی هدف، نسبت بهره‌گیری از دروس تخصصی اقتصادی دوره (برای مثال درس‌های فن محور و مهارتی) نیز تعیین می‌شود (مصاحبه‌شونده ۵)».

در جدول ۷ می‌توان زیرطبقات، کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با کیفیت و کمیت ارائه دروس مهارتی حوزه اقتصاد (به عنوان طبقه) را مشاهده کرد.

جدول ۷: کد شیت طبقه «کیفیت و کمیت ارائه دروس مهارتی حوزه اقتصاد» جهت تقلیل واحدهای

معنایی به زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
آموزش تخصصی با کیفیت بالا و کمیت کمتر (و ارائه معارف درجه دوم آن‌ها)	عدم اولویت این مهارت‌ها (با توجه به هدف نظریه‌پردازی دانشکده)	«به‌کارگیری این ابزار و مهارت‌ها [که] در فضای متعارف [مورد توجه بیشتر برنامه‌های درسی اقتصاد است] هدف نیست [و بنابراین نباید به همان اندازه، در برنامه جدید مورد تأکید و توجه قرار گیرد] (مصاحبه‌شونده ۱۲)».
		«بسیاری از مهارت‌های لازم برای دانشجویان اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، مهارت‌هایی است که با هدف و رسالت دانشگاه هم‌خوان باشد. از این رو مطمئناً دروس کمی و ریاضیات در اولویت قرار نمی‌گیرد (مصاحبه‌شونده ۴)».
		«مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان معارف اسلامی و اقتصاد، باید در جهت پژوهش و تولید علم دینی طراحی و اولویت‌بندی شوند و نه برای ورود به بازار کار اقتصادی (مصاحبه‌شونده ۲)».
		«با توجه به اینکه هدف دانشگاه (نظریه‌پردازی) بیش از حد به مدل‌سازی نه تنها لازم نیست، بلکه ممکن است مضر باشد؛ هرچند آگاهی به مدل‌سازی و روش آن در کنار مهارت‌های نظریه‌پردازی اسلامی بهتر است (مصاحبه‌شونده ۲)».
لزوم معرفی تنوع، گستره، جایگاه آن‌ها و تأکید بر شناخت بیشتر معارف درجه دوم آن‌ها (با توجه به هدف نظریه‌پردازی دانشکده)	لزوم معرفی تنوع، گستره، جایگاه آن‌ها و تأکید بر شناخت بیشتر معارف درجه دوم آن‌ها (با توجه به هدف نظریه‌پردازی دانشکده)	«باید نسبت به ارزیابی روش‌شناختی این مباحث تکنیکی و مدل‌سازی مبتنی بر آن آشنایی لازمه را پیدا کرد (مصاحبه‌شونده ۱۲)».
		«باید به این نکته توجه داشت که در برنامه مطلوب دوره معارف اسلامی و اقتصاد، آنچه از اهمیت برخوردار است، نه صرف اطلاع از یک شیوه مدل‌سازی یا مهارت کمی، بلکه درک

جایگاه این مدل‌سازی، کاستی‌های آن و مفروضات آن است (مصاحبه‌شونده ۱۳).		
«باید مدل‌سازی و شیوه مدل‌سازی‌ها و همچنین روش‌های تحلیل کمی و کیفی معرفی شود و خود روش‌ها به برنامه‌ریزی پنهان (برنامه غیررسمی) بسپاریم. پرداختن به همه دروس تخصصی در برنامه رسمی لازم نیست (مصاحبه‌شونده ۴).»	ارائه این دروس در برنامه‌های غیررسمی (با توجه به هدف نظریه‌پردازی دانشکده)	
«بهتر است مهارت‌های اقتصادی دانشجویان (غیر از آنچه در برنامه درسی رسمی لازم می‌آید) به کمک کلاس‌های تکمیلی موجود در دانشکده ارتقاء یابد (مصاحبه‌شونده ۱).»	تلاش بر ارائه با کیفیت آن‌ها	
«باید مدل‌سازی و شیوه مدل‌سازی‌ها و همچنین روش‌های تحلیل کمی و کیفی معرفی شود و در حداقل واحد و با کارایی بالا این اطلاعات مورد نیاز و متناسب با اهداف دانشگاه را منتقل کنیم (مصاحبه‌شونده ۴).»	تلاش در ارائه مهارت‌های مورد نیاز و منطبق با هدف نظریه‌پردازی دانشکده	
«برای نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی مهارت‌هایی چون تاریخ، تاریخ اندیشه، فلسفه، باید مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. هرچند اگر بگوییم ریاضیات سؤال بعدی این است که کدام شاخه ریاضیات برای تحقق اهداف و رسالت دانشگاه لازم است (مصاحبه‌شونده ۴).»	تخصص در مهارت‌های اقتصادی، لازمه ورود دانشجویان در بازار کار	تأکید بر آموزش دروس مهارتی اقتصاد متعارف و تمرکز بر افزایش کمیت و کیفیت آن‌ها
«باید آخرین مهارت‌های فنی و تکنیکی و در حال پیشرفت اقتصادی که برای مدل‌سازی و کاربردهای احتمالی در بازار کار لازم می‌آید در اختیار دانشجویان قرار گیرد (مصاحبه‌شونده ۱۱).»	لازمه تسلط و تخصص به علم اقتصاد، تسلط و تخصص در مهارت‌های اقتصادی	
«لازمه تسلط دانشجو به علم اقتصاد، تسلط وی به اقتصاد کمی و مدل‌سازی است. تسلط بر این حوزه موجب تسلط وی بر روش علم اقتصاد است و پس از آن درک گستره بهره‌گیری از روش تجربی و آماری در اقتصاد اسلامی است. از آنجایی که نقد اقتصاد متعارف نیازمند فهم بهتر آن است، بنابراین این گونه موارد لازم می‌آید (مصاحبه‌شونده ۸).»		

۱.۷. کیفیت و کمیت ارائه دروس اسلامی

در پاسخ به این مسئله که چه میزان تأکید باید بر دروس اسلامی دوره باشد، باید گفت همچون بسیاری از چالش‌های پیش‌گفته، این مسئله نیز خود متأثر از موارد دیگر از جمله «هدف اصیل دوره» است. در واقع «متناسب با تعیین هدف دانشکده از تربیت نیروی هدف [یعنی نظریه‌پردازی]، ضرورت بهره‌گیری از دروس معارف اسلامی در دوره تعیین می‌شود (مصاحبه‌شونده ۵).» از این رو جدول ۸ زیر به بررسی «میزان تأکید بر ارائه دروس اسلامی در برنامه دوره» پرداخته است.

جدول ۸: کد شیت طبقه «میزان تأکید بر ارائه دروس اسلامی در برنامه دوره» جهت تقلیل واحدهای

معنایی به زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
مطالعه تخصصی دروس اسلامی	مجتهد متجزی در حوزه اقتصاد	«یگانه هدف برنامه آموزشی رشته معارف اسلامی و اقتصاد، تولید علم اقتصاد اسلامی است. از همین رو ابزار و مهارت‌های لازم باید برای تربیت دانشجویی که زمینه‌ساز نظریه‌پردازی و اجتهاد در حوزه اقتصاد اسلامی (در دوره دکتری) است مهیا شود (مصاحبه‌شونده ۸).»
	توانایی استنباط از آیات و روایات	برنامه مطلوب باید به‌گونه‌ای باشد که فرد را به سطح حوزه رسانده و توانایی بهره‌برداری از روایات را به او بدهد (مصاحبه‌شونده ۱).
صرف آشنایی با مطالعات اسلامی (عدم ضرورت در مطالعه تخصصی در آن‌ها)	صرف آشنایی (عدم ضرورت در مطالعه تخصصی در آن‌ها)	«آشنایی با این دروس لازم است اما تأکید بر تبحر در آن لازم نیست هر چند در مورد برخی این دروس اصلاً نیازی به قرار گرفتن آن در برنامه نیست. در بین، درس فقه از بقیه مهم‌تر است (مصاحبه‌شونده ۵).»

بعد از مشخص شدن میزان تأکید بر دروس اسلامی، سؤال از کیفیت ارائه دروس اسلامی به میان می‌آید که این موضوع در جدول ۹ مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۹: کد شیت طبقه «کیفیت ارائه دروس اسلامی در برنامه دوره» جهت تقلیل واحدهای معنایی به

زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
ارائه متون منتخب از منابع نسبتاً اصیل اسلامی همراه با روش مواجهه و استنباط از این متون	ارائه متون منتخب از منابع نسبتاً اصیل اسلامی همراه با روش مواجهه و استنباط از این متون	«تسلط به نص و متن قرآن و حدیث و فقه و شیوه استخراج و استنباط از آن‌ها، از الزامات دانشجوی این رشته است (مصاحبه‌شونده ۴).»
		«در تدریس مباحث اسلامی مثل فقه، اصول فقه، تفسیر، حدیث و... چند شرط باید رعایت شود اولاً آموزش از متون رسمی و کلاسیک، ثانیاً آموزش متد مواجهه با مباحث در حین متن‌محوری، ثالثاً سعی در ارتباط و تناسب هر چه بیشتر با مباحث تخصصی اقتصادی، رابعاً توجه به مسائل مستحدث و واقعی اقتصادی و خامساً توجه به تدریس قواعد فقهی اقتصادی به شکل جدی. (مصاحبه‌شونده ۲).»
لزوم ارائه دروس اسلامی با متون درسی جدید (فقه بانکداری اسلامی، ...)	لزوم ارائه دروس اسلامی با متون درسی جدید (فقه بانکداری اسلامی، ...)	«برای کسانی که مدعی نظریه‌پردازی در عرصه اقتصاد اسلامی هستند باید این دروس در کیفیت و کمیت رشد یابند (مصاحبه‌شونده ۲).»
		«لازم است تأکید تدریس مباحث فقهی از کتب سنتی حوزه و ابواب سنتی تدریس فقه برداشته شده و آخرین نوآوری‌های حوزه فقهی و اقتصاد اسلامی و آخرین تلاش‌های نظری و کاربردی در برنامه مطلوب درسی (برای مثال فقه بانک) جای گیرد (مصاحبه‌شونده ۱۱).»
		«پیشنهاد می‌شود نیمی از واحدهای فقه عمومی به واحدهای فقه الاقتصاد تبدیل شود (مصاحبه‌شونده ۱۵).»
		«مباحث فقهی باید در قالب دروسی چون مانند بازار سرمایه اسلامی، بیمه اسلامی، بانکداری اسلامی، بازار پول اسلامی، نظام مالیه دولتی اسلامی، نظام مدیریت انغال و غیره نباید غافل باشیم (مصاحبه‌شونده ۶).»

۱.۸. جایگاه زبان عربی در برنامه درسی

بحث زبان و یادگیری آن جایگاه بسزایی در برنامه درسی دارد. از همین روست که قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان بر زبان انگلیسی و تقویت هر چه بیشتر آن در مهارت‌های چهارگانه تأکید دارند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد زبان عربی در کنار زبان انگلیسی برای فردی که قصد ارائه نوآوری‌ها یا انجام تحقیقات در عرصه اقتصاد اسلامی دارد، یک ضرورت است. اما در این بین «تفاوت در هدف اصیل دوره»، «محدودیت در زمان دانشجو» و «محدودیت در واحدهای درسی ارائه‌شده» ممکن است موجب شود تا زبان عربی، آن اهمیتی را که زبان انگلیسی برای مخاطب این دوره دارد، نداشته باشد. در جدول ۱۰ می‌توان زیرطبقات، کدهای باز و واحدهای معنایی مرتبط با جایگاه زبان عربی در برنامه درسی (به عنوان طبقه) را مشاهده کرد.

جدول ۱۰: کد شیت طبقه «جایگاه زبان عربی در برنامه درسی» جهت تقلیل واحدهای معنایی به

زیرطبقات

زیرطبقات	کدهای باز	واحدهای معنایی
لزوم قرار گرفتن در برنامه درسیو تقویت دانشجویان	یادگیری عربی جدید (از جمله مکالمه زبان عربی) و عربی قدیم (از جمله برای ورود تخصصی به متون اصیل اسلامی)	«یادگیری زبان عربی از چند جهت اهمیت دارد: زبان اسلام، حدیث و قرآن و زبان جهان اسلام و کشورهای همسایه. بنابراین لازم است علاوه بر عربی متون فقهی در مکالمه عربی نیز تقویت صورت گیرد (مصاحبه‌شونده ۱).»
		«در مهارت مطالعه، دانشجو باید بتواند متون مربوط اقتصادی عربی را مطالعه کند. در مهارت نوشتن، باید توانایی نوشتن مقاله‌ای به زبان عربی را داشته باشد. به این گونه که به خوبی منظور خود را به رشته تحریر درآورد. در مهارت مکالمه و شنیدن، باید بتواند در حد حوزه کاری خویش بحث کرده و شنونده خوبی باشد. افزون بر همه این موارد باید بتواند از منابع روایی و قرآنی استفاده کند. آنچه مهم است تشخیص دقیق جایگاه کلمات در متن و برداشت صحیح بر آن اساس است (مصاحبه‌شونده ۸).»
	یادگیری عربی قدیم (از جمله برای ورود تخصصی به متون اصیل اسلامی)	«زبان عربی صرفاً در حد فهم متون کفایت می‌کند. نیازی به یادگیری مکالمه نیست (مصاحبه‌شونده ۶).» «در حد توانایی مطالعه متون فقهی برای دانشجویان، باید برنامه‌ریزی نمود اما از نظر مکالمه یا نگارش چندان نیازی به نظر نمی‌رسد (مصاحبه‌شونده ۱۱).»

«اگر استفاده از زبان عربی برای ارتباطات بین‌المللی و منطقه‌ای است که زبان انگلیسی کفایت می‌کند (مصاحبه‌شونده ۵).»	عدم تأکید بر یادگیری عربی جدید (از جمله مکالمه زبان عربی)	آشنایی به‌اندازه و عدم لزوم تمرکز زیاد ورود تخصصی بر یادگیری زبان عربی
«اگر استفاده از زبان عربی برای ورود تخصصی است که به جای تمرکز بر یادگیری آن می‌توان از متخصصین این حوزه کمک گرفت (مصاحبه‌شونده ۵).»	عدم تأکید بر یادگیری عربی قدیم (از جمله برای ورود تخصصی به متون اصیل اسلامی)	
«با توجه به بازار کار این نیازمندی چندان نیست. پیشنهاد می‌شود نیمی از واحدهای صرف و نحو عربی به واحدهای زبان تخصصی اقتصاد تغییر یابد. عربی در حد مقدمات کافی است (مصاحبه‌شونده ۱۵).»	عدم تأکید بیش از اندازه به زبان عربی (چه قدیم و چه جدید)	

نتیجه‌گیری

هشت مؤلفهٔ اساسی که می‌توان از آن‌ها به ابعاد مورد توجه برای طراحی یا بازبینی دوره‌های اقتصاد اسلامی نام برد در بخش قبل برشمرده شد. تا این جای بحث پاسخ پرسش نخست این مطالعه ارائه گردید؛ اما به نظر می‌رسد نیازمند دقت‌ورزی بیشتری برای پاسخ به پرسش دوم هستیم؛ اینکه چگونه نتایج و تحلیل‌های مربوط به دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد برای طراحی یا بازبینی دوره‌های اقتصاد اسلامی الهام‌بخش باشد؟ در این راستا می‌توان متناظر با مباحث هشتگانه پیشین، به نکات چالش‌برانگیزی که در طراحی یک دوره اقتصاد اسلامی باید لحاظ شود، اشاره داشت. این موارد به شرح زیر خواهد بود.

۱. لزوم اجماع بر/گزینش یکی از ایده‌های مرتبط با ماهیت اقتصاد اسلامی

همان‌طور که از مجموعه مطالب برآمده از بخش پیشین قابل درک است، مهم‌ترین مسئلهٔ پیش‌روی طراحی دوره اقتصاد اسلامی، همان مؤلفهٔ نخست، یعنی ماهیت اقتصاد اسلامی است. اهمیت این مقوله به حدی است که تقریباً بر سایر ابعاد مورد نیاز برای طراحی یا بازبینی دوره‌های اقتصاد اسلامی سایه خواهد افکند.

به نظر می‌رسد گام برداشتن در مسیر پاسخ به پرسش دوم این تحقیق با توجه به ادبیات مطالعات بین‌رشته‌ای شروع مناسبی است. همان‌طور که اشاره شد هنگامی که بحث از ایدهٔ «اقتصاد اسلامی» مطرح می‌شود در وهلهٔ نخست نیازمند درک «ماهیت تلاش‌های علمی در حال انجام در دانشکده‌ها و مجامع علمی اقتصادی» و «آموزه‌های برآمده از نصوص و متون اسلامی» هستیم؛ این موقعیت رهنمون گر عرصهٔ پژوهش و آموزش بین‌رشته‌ای است.

آنچه به عنوان فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی بین‌رشته‌ای یا تلفیقی نامیده می‌شود، بنا به مشخصات خاص خود و البته با دقت‌ورزی بیشتر قابل طبقه‌بندی به انواع گوناگونی است. وجود اصطلاحاتی چون «میان‌رشتگی»^۱، «چند رشتگی»^۲، «فرارشتگی»^۳، «تعدد رشتگی»^۴، «بینا رشتگی»^۵، «فرا رشته‌ای»^۶ در ادبیات بین‌رشته‌ای، خود بیانگر وجود چنین تنوعی است؛ البته همان طور که برخی متخصصان این حوزه اذعان دارند، در نحوه بهره‌گیری از پیشوندهایی چون «میان» یا «چند» در مباحث، تعریفی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد (رولاند ۱۳۸۷: ۱۴).

برای پرهیز از پرداختن به مجادلات پیش‌گفته در اینجا و برای رعایت سادگی همچون برخی، چند رشتگی و میان‌رشتگی را سر یک زنجیر تلقی می‌کنیم (رولاند ۱۳۸۷: ۱۴). چند رشتگی به معنای همکاری رشته‌ها در کنار یکدیگر حول یک مسئله مشترک است. در چنین فعالیتی هر یک از رشته‌ها به جنبه‌ای از حل مشکل می‌پردازند. به عنوان مثال فرض کنیم که با موضوعی چون کودکان کار سروکار داریم. اگر قصد بهره‌مندی از علوم متداول در این زمینه را داشته باشیم، با فعالیتی چند رشتگی با حضور متخصصان حوزه‌های «علوم تربیتی»، «حقوق»، «روان‌شناسی» و «مواجهیم. بر اساس **Error! Reference source not found.** و در سر دیگر طیف، فعالیت‌های میان‌رشته‌ای قرار دارد که در آن‌ها اساساً نمی‌توان مسئله را به چند بخش تقسیم نمود بلکه باید آن را به طور کلی و از نقطه نظر رشته‌های مختلف بررسی نمود. در این وضعیت «رویکردهای خاص هر رشته، فرضیات و زیربنای ایدئولوژیک یکدیگر را به چالش می‌کشند» (رولاند ۱۳۸۷: ۱۵-۱۶). اهمیت تضارب آراء و مواجهه مفروضات رشته‌های مختلف در این نوع از فعالیت‌ها آن‌قدر شدید است که رولاند (۱۳۸۷: ۱۵) از معادل «میان‌رشتگی انتقادی» برای آن استفاده می‌کند.^۷

1 -Interdisciplinary

2 -Multidisciplinary

3 -Trans Disciplinary

4 -Pluridisciplinary

5- Cross Disciplinary

6- Meta Disciplinary

۷- همان‌طور که اشاره شد تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز قابل تصور است. به عنوان مثال یکی از متخصصان، چهار شکل فعالیت بین رشتگی را «رشتگی آگاهانه»، «میان‌رشتگی تلفیقی»، «فرا رشتگی» و «میان رشتگی مفهومی» عنوان نموده است (لاتوکا، ۲۰۰۱ به نقل از لاتوکا، وویگت and فات ۱۳۸۷: ۸۶)).

شکل ۴ دو سر طیف فعالیت‌های علمی بین‌رشته‌ای؛ منبع: (رولاند ۱۳۸۷: ۱۴)



بنابراین به نظر می‌رسد هر نوع فعالیت علمی در عرصه آموزش، پژوهش یا ترویج که به نوعی به موضوع بین‌رشته‌گی مرتبط است، ابتدا باید موضع خود را راجع به نوع فعالیت بین‌رشته‌ای مربوطه روشن کند؛ طبیعی به نظر می‌رسد که اگر تلقی غالب پژوهشگران و نیز تدوینگران متون و برنامه‌های درسی از «اقتصاد اسلامی»، ناظر به ارتباطی از نوع چند رشته‌گی بین «علم اقتصاد» و «معارف اسلامی» باشد سامانه خاصی از دانش اشاعه می‌یابد. در مقابل اگر باورمند به موقعیتی مشابه اختلافات پارادایمی میان معارف «علم اقتصاد» و «معارف برآمده از متون و آموزه‌های اسلامی» بوده و در وضعیت حدّی میان‌رشته‌گی قرار بگیریم، اقتضائات خاص خود در تدوین برنامه درسی را می‌طلبد.^۱

۱- عموماً تشخیص مسائل و چالش‌ها آسان‌تر از تعیین راه‌حل هاست. مهم‌تر از آن اینکه ارائه هرگونه پاسخی به مسائل، همچون مسائلی پیش‌روی طراحی یا اجرای دوره‌های اقتصاد اسلامی، برآمده از پیش‌فرض‌های پاسخ‌دهنده است. راه‌حل پیشنهادی ماکه ناظر به دیدگاه خاصی در دو سر طیف رویکردهای چندرشته‌گی-میان‌رشته‌گی است، تقویت مشخصه «تفکر انتقادی» در متون درسی و فرایند یادگیری است. هدف از تقویت تفکر انتقادی آن است که دانشجو، حداقل به طور اجمالی، به طور واقعی با فرایند تکوین علم اقتصاد آشنا شود. به نظر می‌رسد این آشنایی مزایای بسیاری دارد. این تأکید به درک بهتر رابطه میان علم اقتصاد و معارف اسلامی در ذهن دانشجو و نیز جریان علمی شکل‌گیرنده در آینده کمک می‌کند. اساساً دانشجو باید متوجه شود که قرار نیست در جریان علمی رشته‌ای چون اقتصاد، حرف آخر زده شود؛ تاریخ عقاید و نظریات اقتصادی مهم‌ترین دلیل بر صحت این باور است. معارف علمی اقتصاد، چه به عنوان علم کاشف روابط میان متغیرهای اقتصادی و چه به عنوان علم متکفل تنظیم امور اقتصادی جامعه انسانی، همواره معرکه آراء اندیشمندان بوده است و توجه به این نکته موجب زودده شدن برخی انگاره‌های متعصبانه راجع به ماهیت علم اقتصاد و بالتبع اقتصاد اسلامی می‌شود. با این تفاسیل، فایده تمرکز بر مشخصه تفکر انتقادی، پیدایش نوآوری‌ها در تحقیقات آتی دانش‌آموختگان دوره‌های اقتصاد اسلامی است. جان‌گیری انواع رویکردها و ایده‌ها در جریان بلوغ ادبیات اقتصاد اسلامی، امکان حرکت از فضای مطالعات بین‌رشته‌ای به سوی رشته‌گی (رشته اقتصاد اسلامی) را فراهم می‌آورد. بدون شک پیشرفت در مسیر تبیین ماهیت «اقتصاد اسلامی» و آموزش آن به آسانی میسر نمی‌شود. باید به این واقعیت معترف بود که همچون جریان اقتصاد

۲. لزوم مشخص ساختن هدف اصیل و اولویتهای دوره از طیف سطح نظریه پردازی

تا سطوح کارشناسی و اجرایی

برای یک دوره آموزشی اقتصاد اسلامی، هدف دوره آموزشی که انتخاب یکی از دو سر طیف نظریه پردازی تا کارشناسی خواهد بود، بسیار تعیین کننده است. با توجه به اینکه بخشی از هدف نهاد آموزش عالی، تربیت کارشناسان و نیروهای اجرایی ماهر برای تنظیم امور اقتصادی، اجتماعی و ... است و از طرفی بخش قابل توجهی از امور اجرایی و کارشناسی در کشور ناظر به مقولات و چارچوبهای اسلامی است، باید متناسب با چنین اهدافی و البته با توجه به ادبیات علمی موجود به طراحی دورههای اقتصادی مزبور همت گماشت.

البته به نظر می رسد که طراحی دورههای اقتصاد اسلامی با هدف تربیت نظریه پرداز و تولید ادبیات علمی در حوزه اقتصاد اسلامی از اولویت خاصی برخوردار است. دستیابی به این هدف، نیازمند تلاش، صبر و برنامه ریزی عالمانه و دقیق تری نسبت به دورههای پیش گفته است. متأسفانه، افزایش تقاضای جامعه و نیز دانشجویان برای تمرکز بر برخی حوزههای تکنیکی معین و حمایت ساختارهای موجود در اشتغال دانش آموختگان رشته اقتصاد و حتی اقتصاد اسلامی، موجبات عدم رغبت جامعه دانشگاهی به تمرکز بر مباحث بنیادین و سرنوشت ساز در فرایند نظریه پردازی اقتصاد اسلامی و حتی اقتصادی شده است.^۱

متعارف یا هر رویکرد دگراندیشانه ای در علم اقتصاد - همچون رهیافت های مکتب اتریش، اقتصاد سوسیالیستی، اقتصاد رفتاری یا اقتصاد نهادی - اقتصاد اسلامی نیز نیازمند رشد درونزا، پیوسته و مبتنی بر مسائل واقعی است؛ از این رو همین تجربیات نیز نشان می دهد که پدیدار شدن وضعیت مطلوب در عرصه تدوین متون آموزشی و فراگیری اقتصاد اسلامی با سرعت غیرمعمول میسر نیست. افزون بر لزوم آگاه نمودن دانشجویان از ماهیت تطور علم اقتصاد، ابزار مهم دیگری که می تواند منجر به تقویت مشخصه تفکر انتقادی در ایشان است، تأکید بر تقویت مهارت حل مسائل در دانشجویان به عنوان سیاست گذار در دروس کاربردی است.

با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از آموزش تفکر انتقادی بر عهده استاد و شیوه تدریس است و ارتباط وثیقی با طراحی برنامه درسی ندارد، در این مقاله از پرداختن به آن صرف نظر شده است. منبع زیر برای اطلاع از کلیات ماهیت آموزش تفکر انتقادی در محیط های علمی، مفید به نظر می رسد:

مایرز، چت (۱۳۸۰)، *آموزش تفکر انتقادی*، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

۱- پرواضح است که پیشنهاد مطرح شده در این قسمت به نوعی مورد قبول برخی اساتید مبرز اقتصاد کشور نیست. به عنوان نمونه، یکی از این اساتید درباره مشکل موجود در آموزش رشته اقتصاد در کشور اعلام می دارد: «متأسفانه در ایران دشواری تکنیکی آموزش علم اقتصاد سبب شده است بخش قابل توجهی از استادان اقتصاد به تدریج به مباحثی از اقتصاد روی آورند که رنگ و بوی فلسفه و ایدئولوژی دارد.» ایشان می افزایند «اقتصاد بیش از آنکه به علوم انسانی شباهت داشته باشد به علوم مهندسی شباهت دارد. ... تا زمانی که علم اقتصاد

۳. لزوم مشخص ساختن یکی از رهیافت‌های میان‌رشته‌ای برای طراحی دوره

انتخاب هر یک از رهیافت‌های میان‌رشته‌ای برای ارائه دروس دوره، اثر خود را بر «انتخاب دروس»، «غلبه محتوایی دروس»، «ترکیب دروس» و «چینش دروس» خواهد گذارد. بنابراین انتخاب هر رهیافتی، گزینه‌های پیش روی طراحان و برنامه‌ریزان دوره را متناسب با انتخاب آن تغییر خواهد داد. این مهم با توجه به عدم اجماع راجع به ماهیت اقتصاد اسلامی در میان اساتید پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی، از اهمیت دوچندانی نسبت به آموزش علم اقتصاد برخوردار است.

متأسفانه تحت تاثیر چنین دیدگاه‌هایی و متأثر از باور فلسفی و ایدئولوژیک باشد و تبدیل به نقل قول و بیان آرای فیلسوفانی اقتصاددان‌نما شود و پذیرفته نشود که علم اقتصاد علمی است که قرار است در مورد حل تورم، ایجاد رشد اقتصادی بیشتر، چگونگی مالیات‌گیری و یارانه دادن برای مقابله با آلودگی محیط‌زیست و امثالهم به ارائه راه حل بپردازد و آمیخته با مباحث انتزاعی و فلسفی شود آموزش علم اقتصاد همچنان دشواری خواهد داشت. تنها امید برای بهبود آموزش اقتصاد آن است که از مباحث فلسفی پاک و به شدت تکنیکی شود و ناظر به حل مسائل و دشواری‌های زندگی روزمره (رحمانی (۲۳ خرداد ۱۳۹۴)). بیان چنین باوری از جانب یکی از اساتید اقتصاد کشور به خوبی بیانگر لزوم بازبینی در محتوا و شیوه تدریس علم اقتصاد است. علم اقتصادی که ماهیت آن نه توسط فیلسوفان اقتصاددان‌نما بلکه توسط اقتصاددانانی چون جان استوارت میل، فردریک فون هایک، جیمز بوکانون، گونار میردال و آمارتیا سن نیز سامان یافته است. علم اقتصادی که آشکارترین واقعیت قابل مشاهده در ادبیاتش - حتی برای «حل تورم، ایجاد رشد اقتصادی بیشتر، چگونگی مالیات‌گیری و یارانه دادن برای مقابله با آلودگی محیط‌زیست و امثالهم» - جدال‌های پایان ناپذیر اقتصاددانان نوآوری چون هایک، بوکانون، ریچارد ماسگریو، الوین راث، گری بکر، رونالد کوز، آرتور پیگو، جان مینارد کینز، میلتون فریدمن، جیمز توبین، رابرت سلو، ادوارد پریسکات، کنث بولدینگ و سن است. هر چند درک دلیل تفاوت رویکرد هر یک از این اقتصاددانان در مسائل مختلف، نیازمند صرف یک عمر پژوهشی است اما اجمالاً قابل درک است که بسیاری از این اختلافات به همان باورهای بنیادین، فلسفی یا جهان بینانه دارد؛ اینکه «ملاک ارزیابی یک نظام اقتصادی یا سازوکار نتایج آن باشد یا فرایند تعبیه شده در آن؟»، اینکه «به طور پیش‌فرض به حرکت به سمت ملاک‌های مطرح در الگوهای رقابت کامل و بازار آزاد، آن هم تحت هر شرایطی، باورمند باشیم» یا اینکه «سازوکار قیمت را یکی از سازوکارهای تخصیص تلقی نماییم»، «اینکه معتقد به بازارهای مفقوده بود یا خلاف آن را باور داشت»، اینکه «مبنای پیامدگرایی یا فایده‌گرایی را برای رشد یا توسعه پذیرا شد یا به رویکردهای رقیب چون کمال‌گرایی یا فضیلت‌گرایی نیز نظر داشت»، اینکه «فائل به مبانی خرد برای پدیده‌های کلان باشیم یا خیر»، اینکه «روش پژوهش اقتصادی مبتنی بر قیاس باشد یا استقرا یا هر دوی اینها؟» و ... مباحثی مهم و تعیین‌کننده هستند؛ مباحثی که یک اقتصاددان و حتی یک تکنسین اقتصادی تک‌منظوره - مستقیم یا غیرمستقیم راجع به آن‌ها در حال ابراز نظر است و اتفاقاً همین موارد موجب تفاوت ایده‌ها و نظریات اقتصاددانان نوآور با یکدیگر است.

۴. لزوم مشخص ساختن غلبه و تمرکز بر دروس اقتصادی (غلبه کیفی و کمی

رهیافت‌های هتردوکس یا ارتدوکس) و کیفیت ارائه آن‌ها در برنامه درسی دوره

انتخاب غلبه هر یک از دو رویکرد مکتبی به ارائه دوره بر «گزینش دروس مهم و دارای اولویت اقتصاد ارتدوکس»، «گزینش مکاتب مهم و دارای اولویت اقتصاد هتردوکس»، «چینش دروس ارتدوکس و هتردوکس»، «تقدم و تأخر هر کدام از آن‌ها» و ... اثر خواهد گذارد.

۵. لزوم مشخص ساختن کیفیت ارائه دروس هتردوکس، میان‌رشته‌ای و معارف

درجه دوم حوزه اقتصاد در برنامه درسی دوره

از مهم‌ترین وجوه یک برنامه درسی نحوه ترکیب و تلفیق دروس و سرفصل‌ها برای رسیدن به یک محتوای جامع و درعین‌حال مفید در راستای اهداف اصیل دوره است. بعد از مشخص شدن غلبه کیفی و کمّی هر یک از رویکردهای هتردوکس یا ارتدوکس نوبت به این می‌رسد که بدانیم این محتوا را چگونه باید در اختیار دانشجو قرار داد. ارائه «پیوست درسی» در سرفصل‌ها و یا «اضافه کردن دروس اضافی به برنامه» از روش‌های معمول برای ارائه چنین محتوایی است. هر چند مهارت استاد و قدرت تبیینی وی در کنار محتوای بومی جهت ارائه این‌گونه دروس می‌تواند شکل بهتری از ارائه چنین محتوایی باشد.

۶. لزوم مشخص ساختن کیفیت و کمیت ارائه دروس مهارتی حوزه اقتصاد در

برنامه درسی دوره

این بخش را شاید بتوان از جمله ارائه‌های دروس مهم مکتب ارتدوکس و روش‌های مهارتی و تکنیکی آن در برنامه درسی برشمرد که همان مسائل مربوط به ارائه دروس هتردوکس نیز برای آن جاری است.

۷. لزوم مشخص ساختن کیفیت و کمیت ارائه دروس اسلامی در برنامه درسی دوره

دروس اسلامی فارغ از قبول هر یک از رویکردهای متفاوت بین‌رشته‌ای، از دروس لازم در هر برنامه درسی اقتصاد اسلامی است. اما «گسترده‌ی دانش‌های اسلامی» از علوم قرآنی (تفسیر و تدبیر) و علوم حدیث (رجال و درایه) گرفته تا فقه، اصول، سیره، تاریخ و فلسفه مشکی است که با توجه به محدودیت‌های دروس در یک برنامه باید در مورد «تعداد دروس»، «کیفیت ارائه دروس»، «چینش دروس»، «اولویت‌بندی دروس»، «متون دروس» و «شیوه ارائه دروس» پاسخ داده شود.

۸. لزوم مشخص ساختن جایگاه و کیفیت ارائه دروس زبان عربی در برنامه درسی

دوره

بعد از بیان اهمیت دروس اسلامی، حال نوبت به این می‌رسد تا در مورد راه ورود به منابع اصلی اسلامی که همانا زبان عربی است نظر داده شود. «میزان تأکید به زبان عربی»، «دروس مربوط به وجوه مختلف زبان»، «دروس متناسب با تخصص‌های مورد نیاز»، «میزان تخصص بایسته در زبان عربی»، «تعداد واحدهای درسی» از جمله مواردی است که باید در تدوین یک برنامه درسی ایده آل مورد دقت‌ورزی قرار گیرد. البته به نظر واضح می‌آید که تقویت این مقوله در طراحی یا بازبینی دوره‌های اقتصاد اسلامی تأثیرپذیری مستقیمی از هدف اجرای این دوره‌ها دارد؛ اگر هدف اجرای دوره خاصی متمرکز بر تربیت نیروهای کارشناسی و اجرایی است، طبیعتاً از ضرورت گنجاندن این دروس در برنامه درسی کاسته می‌شود؛ در مقابل اگر هدف دوره خاصی، تربیت نیروهای علمی و نظریه‌پرداز در حوزه اقتصاد اسلامی باشد، باید بر جایگاه فراگیری زبان عربی تأمل صورت گیرد.

۳. محدوده و محدودیت تحقیق

از آنجا که محدوده این مطالعه معطوف به برنامه‌های درسی رشته اقتصاد و نیز برنامه‌های درسی تلفیقی در حوزه اقتصاد اسلامی است، برخی از نتایج هرچند مهم و تأثیرگذار در فرایند اجرای برنامه درسی تبیین نشد. توضیح آن‌که با توجه به کلی و منعطف بودن پرسش‌های مطروحه و نیز چهره به چهره بودن مصاحبه‌ها، برخی از عوامل تأثیرگذار در موفقیت دوره که ارتباط مستقیمی با برنامه درسی ندارد، نیز احصاء گردید؛ عواملی چون «اصلاح نظام پرداخت اساتید دانشگاه»، «توان علمی و مهارت‌های تحصیلی اساتید»، «ویژگی برنامه‌های پنهان و غیررسمی دوره»، «تأثیرگذار بودن فضای دانشگاه‌ها از نظر تجمیع دانشجویان علوم اجتماعی و علوم انسانی»، «استعداد و هوش دانشجویان ورودی به دوره» و «انطباق دغدغه‌ها و انگیزه‌های دانشجویان با اهداف دوره یا دانشگاه». به نظر می‌رسد اجرای یک برنامه موفق آموزشی و دستیابی به اهداف مورد نظر نیازمند توجه هم‌زمان با همه عوامل از جمله مؤلفه‌های پیش‌گفته است.

با توجه به ماهیت خاص برنامه دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد، لازم دیده شد که همه مصاحبه‌شوندگان از دانش‌آموختگان این دوره باشند. انتظار بر این است که این الزام موجب ارائه ارزیابی‌های واقع‌بینانه‌تر و به نوعی جامع‌تر از دوره شده باشد. با این وجود می‌توان از نظرات اساتید و دانشجویان رشته‌ها و گرایش‌های مرتبط چون «اقتصاد» یا «اقتصاد اسلامی»، «بانکداری اسلامی» و «فقه‌الاقتصاد» در سایر دانشگاه‌ها نیز به نحوی دیگر استفاده نمود.

دیگر محدوده تحقیق که تذکر آن ضروری به نظر می‌رسد، مرتبط با هدف این مطالعه است. در این مطالعه تمرکز اصلی بر ارزیابی انتقادی یا همان نقاط ضعف و دشواری‌های اجرای برنامه دوره بوده است. به این ترتیب مزایای موجود در این دوره به طور مستقیم مورد نظر این مطالعه قرار نگرفته است. از مهم‌ترین محدودیت‌های این مطالعه، عدم دسترسی به تدوین‌کنندگان اصلی و اولیه برنامه دوره و ارزیابی ایشان از میزان تحقق اهداف دانشگاه بود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاس خویش را نسبت به مشارکت‌کنندگان، که با توجه و دقت یاریگر انجام این مطالعه بودند، اعلام می‌دارند.

پیوست‌ها

الف. برنامه تفصیلی دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد

جدول پیوست ۱ تقسیم‌بندی واحدهای درسی مصوب دوره کارشناسی ارشد پیوسته م.ا.و.

ردیف	نوع درس	تعداد واحد
۱	عمومی (مربوط به مقطع کارشناسی)	۷
۲	پایه معارف اسلامی (مربوط به مقطع کارشناسی)	۴۶
۳	اصلی معارف اسلامی (مربوط به مقطع کارشناسی)	۲۵
۴	زبان (خارجی و عربی، مربوط به مقطع کارشناسی)	۲۹
۵	اصلی اقتصاد (مربوط به مقطع کارشناسی)	۷۱
۶	تخصصی معارف اسلامی (مربوط به مقطع ارشد)	۱۲
۷	تخصصی اقتصاد (مربوط به مقطع ارشد)	۳۰
۸	پایان‌نامه (مربوط به مقطع ارشد)	۵
	جمع	۲۲۵

جدول پیوست ۲ فهرست و مشخصات درس‌های پایهٔ معارف اسلامی، مربوط به مقطع کارشناسی دوره،

الزامی

شماره درس	نوع درس	تعداد واحد	تعداد ساعات	زبان تدریس
۳۵۰۱۰۰	تجوید	۱	۳۴	فارسی یا عربی
۳۵۰۱۰۱	تاریخ و علوم قرآن	۱	۱۷	فارسی
۳۵۰۱۸۰	منطق ۱	۱	۱۷	فارسی
۳۵۰۱۸۱	منطق ۲	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۱۸۳	منطق ۳	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۳۰۱	صرف ۱	۲	۳۴	عربی
۳۵۰۳۰۴	صرف ۲	۲	۳۴	عربی
۳۵۰۳۰۷	نحو ۱	۳	۵۱	عربی
۳۵۰۳۱۲	نحو ۲	۲	۳۴	عربی
۳۵۰۳۱۷	نحو ۳	۳	۵۱	عربی
۳۵۰۳۲۳	نحو ۴	۲	۳۴	عربی
۳۵۰۳۲۸	نحو ۵	۳	۵۱	عربی
۳۵۰۳۳۳	نحو ۶	۳	۵۱	عربی
۳۵۰۰۸۱	تاریخ تحلیلی اسلام ۱	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۰۸۳	تاریخ تحلیلی اسلام ۲	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۰۴۱	اصول عقاید ۱	۳	۵۱	فارسی
۳۵۰۰۴۲	اصول عقاید ۲	۱	۱۷	فارسی
۳۵۰۰۴۴	اصول عقاید ۳	۳	۵۱	فارسی
۳۵۰۱۴۱	فقه مقدماتی ۱	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۱۴۲	فقه مقدماتی ۲	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۱۴۳	فقه مقدماتی ۳	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۱۴۴	فقه مقدماتی ۴	۲	۳۴	فارسی
جمع		۴۶	۷۹۹	

یادداشت. این سرفصل‌ها بر اساس مصوبه جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۷۶ بوده که برای دوره‌های قبل و بعد از این سال اجرایی شده است. علیرغم برخی تغییرات در برخی سرفصل‌ها و محتوای دروس (همچون دروس اصول عقاید)، چارچوب برنامه درسی فوق چندان تغییر نکرده است.

جدول پیوست ۳ فهرست و مشخصات درس‌های اصلی معارف اسلامی، مربوط به مقطع کارشناسی دوره،

الزامی

شماره درس	نوع درس	تعداد واحد	تعداد ساعات	زبان تدریس
۳۵۰۲۰۱	تفسیر قرآن ۱	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۲۰۲	تفسیر قرآن ۲	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۲۲۱	فقه ۱	۴	۶۸	فارسی
۳۵۰۲۲۲	فقه ۲	۴	۶۸	فارسی
۳۵۰۲۲۳	فقه ۳	۳	۵۱	فارسی
۳۵۰۲۲۴	فقه ۴	۳	۵۱	فارسی
۳۵۰۱۲۱	اصول فقه ۱	۲	۳۴	فارسی
۳۵۰۱۲۲	اصول فقه ۲	۳	۵۱	فارسی
۳۵۰۱۲۳	اصول فقه ۳	۳	۵۱	فارسی
جمع		۲۵	۴۲۵	

جدول پیوست ۴ فهرست و مشخصات درس‌های تخصصی معارف اسلامی، مربوط به مقطع کارشناسی

ارشد دوره، الزامی

شماره درس	نوع درس	تعداد واحد	تعداد ساعات	زبان تدریس
۵۵۰۲۲۱	فقه الاقتصاد ۱	۴	۶۸	فارسی
۵۵۰۲۲۲	فقه الاقتصاد ۲	۳	۵۱	فارسی
۵۵۰۲۲۳	فقه الاقتصاد ۳	۳	۵۱	فارسی
۵۵۲۰۹۹	آیات الاحکام اقتصادی	۲	۳۴	فارسی
جمع		۱۲	۲۰۴	

ب. متن پرسشنامه

محور اول: معرفی

۱- سوابق علمی و تجربی خود را بیان نمایید.

محور دوم: منطق حاکم بر بازنگری

۲- برنامه آموزشی مطلوب رشته معارف اسلامی و اقتصاد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ (مانند به‌روز بودن، انعطاف‌پذیری و ...)

- ۳- برنامه آموزشی فعلی باید با چه معیارهایی بازبینی و به‌روز شود؟
- ۴- برنامه آموزشی کنونی تا چه مهارت محور است؟ به نظر شما دانش‌آموختگان دانشکده علاوه بر معلومات علمی به چه مهارت‌هایی باید مجهز باشند؟
- ۵- مکاتب اقتصادی هتروдокس تا چه حد باید در برنامه آینده دانشکده مورد توجه قرار گیرند؟ کدامیک از شاخه‌های مذکور از جهت آموزشی اولویت دارند؟
- ۶- دانش‌های میان‌رشته‌ای نوظهور مانند حقوق و اقتصاد، اخلاق و اقتصاد، روان‌شناسی و اقتصاد و ... تا چه حد باید در برنامه آینده دانشکده مورد توجه قرار گیرد؟ کدامیک از رشته‌های مذکور اولویت آموزشی بیشتری دارند؟
- ۷- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به دانش و مهارت‌های اقتصاد کمی و مدل‌سازی نیازمندند؟ آیا دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش دروس کمی و مدل‌سازی در دانشگاه چیست؟

محور سوم: روش تلفیق

- ۸- برنامه آموزشی کنونی تا چه توانسته است اهداف دانشگاه را محقق سازد؟
- ۹- برنامه آموزشی کنونی تا چه حد در آموزش اقتصاد اسلامی موفق بوده است؟ پیشنهاد شما برای ارتقای کمی و کیفی آموزش اقتصاد اسلامی در برنامه آینده چیست؟
- ۱۰- الگوی کنونی تلفیق «معارف اسلامی» و «اقتصاد» را تا چه حد موفق می‌دانید؟ الگوی پیشنهادی شما برای برنامه آینده چیست؟

محور چهارم: تحولات و استانداردهای جهانی آموزش اقتصاد

- ۱۱- محتوای آموزشی علم اقتصاد در عرصه جهانی در طول ۱۵ سال گذشته چه تغییراتی کرده است؟
- ۱۲- آموزش رشته اقتصاد در دانشگاه‌های معتبر جهانی از جهت شکلی چه تغییراتی داشته است؟ تغییرات مذکور چه درس‌هایی را می‌تواند برای ما در بر داشته باشد؟
- ۱۳- عناوین و محتوای آموزش اقتصاد در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تا چه اندازه با استانداردهای جهانی منطبق است؟ در تدوین برنامه آینده تا چه حد و در چه حوزه‌هایی باید بر رعایت استانداردهای جهانی تأکید شود؟

محور پنجم: نیازهای آینده کشور

- ۱۴- آموزش‌های کنونی رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد با نیازهای حال و آینده بازار کار تناسب دارد؟
- ۱۵- نیازهای بازار کار دانش‌آموختگان اقتصاد (در دو بخش دانشگاهی و غیر دانشگاهی) در دو دهه آینده چه گونه خواهد بود؟
- ۱۶- مزیت‌های دانش‌آموختگان دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در مقایسه با سایر دانشکده‌های اقتصاد در طول دو دهه گذشته چه تغییراتی کرده و چشم‌انداز آن چگونه است؟
- ۱۷- برنامه کنونی آموزشی دانشکده تا چه حد در آشنا ساختن دانشجویان با واقعیت‌های اقتصاد ایران موفق است؟

محور ششم: بازنگری دروس عمومی و معارف اسلامی

- ۱۸- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به زبان انگلیسی نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه چیست؟
- ۱۹- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به زبان عربی نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش زبان عربی در دانشگاه چیست؟
- ۲۰- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به معلومات قرآنی نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش تفسیر قرآن در دانشگاه چیست؟
- ۲۱- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به معلومات حدیثی نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش حدیث در دانشگاه چیست؟
- ۲۲- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به معلومات مرتبط با اصول عقاید نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش حدیث در دانشگاه چیست؟
- ۲۳- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به معلومات مرتبط با فقه اسلامی نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش فقه در دانشگاه چیست؟

۲۴- دانش‌آموختگان رشته معارف اسلامی و اقتصاد تا چه حد به معلومات مرتبط با اصول فقه نیازمندند؟ آیا دروس رسمی دانشگاه نیاز مزبور را برطرف می‌کند؟ پیشنهاد شما برای ارتقای آموزش اصول فقه در دانشگاه چیست؟

محور هفتم: سایر موارد

۲۵- علاوه بر محورهای فوق خواهشمند است اگر نکته یا پیشنهادی دارید بیان کنید.

منابع

۱. خانی، محمدحسن (۱۳۸۹)، «نوآوری در مطالعات میان رشته ای در حوزه علوم انسانی در ایران؛ مطالعه موردی دانشگاه امام صادق»، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۳-۶۶.
۲. درخشان، مسعود (۱۳۹۱)، «بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی: ملاحظات در رویکردهای تطبیقی و مبنائی»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۱۷، شماره ۵۲، صص ۳۳-۷۱.
۳. رحمانی، تیمور (۲۳ خرداد ۱۳۹۴) «فرار از دشواری های تکنیکی»، روزنامه دنیای اقتصاد.
۴. رولاند، اس. (۱۳۸۷)، «میان رشتگی» در مبنای نظری و روش شناسی مطالعات میان رشته ای، توین شده توسط سیدمحسنعلوی پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۳-۴۰.
۵. لاتوکا، لیس و لویسوویگت و کیمبرلیفات (۱۳۸۷)، «آیا میان رشتگی به بهبود یادگیری می‌انجامد؟: پشتیبانی نظری و پرسش‌های تحقیق پذیر» در چالش‌ها و چشم اندازهای مطالعات میان رشته‌ای، تدوین شده توسط سیدمحسنعلوی پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۸۱-۱۳۰.
۶. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۶)، «روش فلسفه علم اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۷، صص ۴۵-۶۵.

